



Gettyimages

گفت‌وگو با حمید سیمه‌ساز، کارشناس فناوری اطلاعات درباره ضرورت شفافیت

حصر اطلاعات باید شکسته شود

امیرحسین احمدی] گنجه با کیفی که در خیلی از خانه‌ها هست، درونش از کارت پایان خدمت گرفته تا شناسنامه و کارنامه و گواهی‌نامه تا قبالة ازدواج و سند خرید خانه پیدا می‌شود. هر یک از اعضای خانواده هم در آن چند عکس سه در چهار برای اوقات ضروری دارد. همین یک کیف اساس هویت را در روزگار کنترل و اتوماسیون شکل می‌دهد. کیفی که هر یک از اعضای خانواده هر کاری که سازمانی داشته باشد، داخل آن را می‌گردد تا اسنادش را بردارد و به سازمان بعدی برود. محل کارش، آموزشگاه رانندگی، مدرسه یا دانشگاه، بیمارستان، بانک و هر جای دیگر، نه یک‌بار که شاید بارها باید این روند را طی کند. شاید گاهی هم از خود پرسد که چرا هر جا که می‌رود باید این مدارک را به خود آویزه و دوباره فرمی پر کند که اطلاعاتش برای چندمین بار ثبت شود. در این میان زیرساختی برای تبادل اطلاعات میان سازمان‌های مختلف و انتشار داده از سوی آنها یعنی است که برخی بر آن پای می‌فشارند. حمید سیمه‌ساز هم یکی از آنهاست. کارشناس فناوری اطلاعات که به‌طور تخصصی بر کیفیت داده‌های اطلاعاتی مطالعه کرده است. سیمه‌ساز این روزها بیش از هر چیز دیگری به قدرت داده‌ها و اطلاعات باور دارد و می‌گوید که امپراتوران عصر ما، داده‌ها و اطلاعات هستند که هر روز بر قدرت خود می‌افزایند. اطلاعاتی که برای انبانی بشر مانند هوا برای تنفس شده‌اند.

●●● امروز جریان آزاد اطلاعات و دسترسی به آنها نقش پررنگی در زندگی انبانی بشر بازی می‌کند. یکی از منابعی که به جریان اطلاعات شکل می‌دهد، سازمان‌های دولتی است. اساسا روش انتشار اطلاعات سازمان‌های دولتی باید به چه شکل باشد و انتشار عمومی این اطلاعات از سوی سازمان‌ها چه ضرورتی دارد؟

پیش از پرداختن به این سوال باید به این موضوع اشاره کنم که اساسا تا چند سال پیش کسی فکر نمی‌کرد که مزایا و نیاز به دسترسی، ذخیره و به اشتراک‌گذاری آزاد داده‌ها تا به این حد ضروری باشد. امروزه در دنیا مقوله‌ای تحت عنوان Open data یا «داده باز» مطرح است که برای فراهم‌آوردن بلوغی است به منظور برقراری سازوکاری که امکان دسترسی آزاد و رایگان به داده‌ها پیش از پیش فراهم شود. البته طبیعی است در هر سازمانی بخشی از داده‌ها طبقه‌بندی و محرمانه باشند که دسترسی به آنها عمومی نیست، اما سوای موضوع محرمانه بودن داده‌ها، اساسا سازمان‌های کشور ما با مقوله اشتراک‌گذاری داده‌ها و در دسترس قراردادن آنها مشکل دارند و لازم است در این زمینه روندی برای دسترسی آزاد به داده‌ها شکل گیرد. در واقع تمام سازمان‌ها موظفند داده‌های خود را منتشر کنند.

امروزه در دنیا بحث‌هایی تحت عنوان حکمرانی داده شکل گرفته؛ یعنی قرن حاضر، قرن اطلاعات و حکمرانی داده‌هاست. امروزه ثروت و قدرت از آن سازمان‌هایی است که در استفاده کارآمد از داده‌ها به مهارت رسیده‌اند. این سازمان‌ها توانسته‌اند با تحلیل داده‌ها به خرد و دانش برسند و این قدرتی است که به‌طور ذاتی در داده‌ها وجود دارد.

در کشور ما بخش اعظمی از داده‌ها را ارگان‌های دولتی تولید و نگهداری می‌کنند، اما متأسفانه رویه‌ای برای در دسترس قراردادن این داده‌ها وجود ندارد. معمولا مدیران دولتی در اختیار داشتن اطلاعات را اسباب قدرت خودشان می‌دانند، یعنی به نوعی از داده‌های موجودشان برای چانه‌زنی و بده‌بستان اطلاعاتی در روابط قدرت استفاده می‌کنند و این مسأله مختص به سازمانی خاص هم نیست، بلکه تقریبا تمامی سازمان‌های دولتی نسبت به این مقوله چنین سیاستی دارند. البته محافظه‌کاری به علت وجود تبعات انتشار داده‌ها هم خود مزید بر علت است که باعث شده مدیران دولتی اساسا تمایلی برای رفتن به سمت «داده باز» نداشته باشند.

علاوه بر این مسأله، نگاه سازمان‌های دولتی این است که نگاه داشت داده‌ها نیاز به صرف هزینه دارد، یعنی مدیریت، نگهداری و به‌روزرسانی داده‌ها هزینه‌بردار است. پس طبعاً اگر سازمانی قرار است از این داده‌ها استفاده کند و به نوعی ذی‌نفع ثانویه باشد، باید هزینه‌های نگهداری و مدیریت این داده‌ها را پرداخت کند که معمولا همین موضوع یعنی پرداخت هزینه داده برای بسیاری از سازمان‌های دولتی محل اشکال است، چراکه سازمان متقاضی اطلاعات می‌گوید هزینه مربوط به نگهداری این داده‌ها را دولت از خزانه پرداخت می‌کند، پس نباید انتشار آن با هزینه همراه باشد، مثلا اگر قرار است سازمانی از ثبت احوال اطلاعات فردی یک شخص را بگیرد، سازمان ثبت احوال این چالش را دارد که تولید، نگهداری و به‌روزرسانی این اطلاعات برای من هزینه دارد و باید آن را پرداخت کنید. نتیجه اینکه بسیاری از سازمان‌های دولتی برای تبادل اطلاعات، متقاضی پولی هستند که در نهایت

هستند، در این حالت تبادل داده به جای الکترونیکی به صورت کاغذی استحصال شده که طبعاً خودکار و نظام‌مند نیز نیست.

دولت‌ها سعی دارند با فراهم‌آوری بسترهای اطلاعاتی و ایجاد «دولت الکترونیکی» چندباره کاری‌ها و دیوان‌سالاری‌های اداری را کاهش دهند و کمترین درگیری را برای مصرف‌کنندگان نهایی که همان مردم هستند، ایجاد کنند. حالت ایده‌آل زمانی است که سازمان بتواند بدون اینکه متقاضی را درگیر ماجرا کند، تمامی اطلاعات مربوط به او را به صورت برخط و کامل دریافت کند که این نخستین گام در «تبادل داده‌ها» است.

مرحله بعد از این، تعامل داده‌هاست. ممکن است اطلاعات از سازمانی به سازمان دیگر از طریق «وب‌سرویس» تبادل شود، اما اطلاعات به نحوی باشد که مصرف‌کننده آن برداشت کاملی از آن اطلاعات نداشته باشد یا مطابق با نیازمندی‌هایش نباشد. در این حالت اطلاعات تبادل شده است، اما سازمان مصرف‌کننده به علت وجود چندگانگی و ابهام قادر به بهره‌برداری کامل از اطلاعات نیست. اینجا بحثی پیش می‌آید تحت عنوان «کیفیت داده‌ها» یعنی ما اول چیزی داشتیم تحت عنوان «داده باز» و این داده باز وقتی بین چند سازمان بخواند تبادل شود، در نهایت نیاز پیدا می‌کند که با کیفیت باشد تا سازمان‌ها بتوانند از آن استفاده کنند.

●●● مثالی از تجربه کشورهای دیگر در این باره وجود دارد؟

بله، پیرامون بحث سلامت الکترونیکی، یکی از موضوعاتی است که در کشورهای پیشرفته به آن توجه شده است. تمامی سوابق اطلاعات مربوط به درمان و سلامت یک شخص از موقع تولد تا هنگام وفات به صورت یکپارچه ثبت و نگهداری می‌شود. در پرونده سلامت الکترونیکی هر شهروند اطلاعاتی شامل چکاپ‌های دوره‌ای، مراجعات به پزشک، داروهای تجویز شده و سوابق بیماری‌ها ثبت می‌شود؛ اینها می‌شوند سوابق اطلاعاتی یک شخص در حوزه بهداشت و درمان. طرح پزشکی خانواده نیز مبتنی بر همین سلامت الکترونیکی است، یعنی اگر قرار است حول بهداشت و درمان یک شخص یا خانواده فعالیت انجام شود، تمام سوابق اطلاعاتی باید به صورت یکجا در دسترس باشد.

متأسفانه تبادل داده‌ها در سازمان‌های دولتی وضع مناسبی ندارد، برای نمونه اگر شما می‌خواهید جایی بروید و مجوز بگیرید، نیاز به عدم سوءپیشینه دارید، برای دریافت گواهی عدم سوءپیشینه شما باید به یکی از مراکز پلیس ۱۰۰ مراجعه کنید و درخواست عدم سوءپیشینه برای ارایه به سازمان متقاضی دهید. پلیس با مراجعه به سوابق جرم و جرایم باید بررسی کند که آیا فرد متقاضی، سوابق کیفری دارد یا خیر و نهایتاً آن را به صورت کاغذی به سازمان متقاضی اعلام کند، درحالی‌که در فضای تعامل‌پذیری بخواهیم این کار را کنیم، باید بستری وجود داشته باشد و شخص نباید متقاضی این کار باشد. شخص به یک سازمان مراجعه کرده است و سازمان متقاضی با استفاده از ابزارهای سیستمی خودکار مانند وب‌سرویس یا دستی مانند وب‌سایت امکان بررسی سوءپیشینه را داشته باشد.

رویه‌های تعامل‌پذیری بین سازمان‌ها در کشور ما در مراحل ابتدایی کار است و این نقص در برخی موارد باعث فساد هم شده، مانند خریدهایی جهت دار در تالار بورس. کسانی که می‌دانند دو هفته بعد فلان خبر رسانه‌ای می‌شود و براساس آن خبر یک هفته قبل می‌روند سهام‌های مربوط به تولیدکنندگان یا شرکت‌هایی را که در این حوزه هستند، قبضه می‌کنند.

●●● به نظر می‌رسد برای چنین روشی از تبادل اطلاعات به سازوکارهای جدی نیاز است. این سازوکارها و زیرساخت‌ها چه هستند؟

این سازوکارها و زیرساخت‌ها یعنی همان اجرایی شدن دولت الکترونیکی چراکه در دولت الکترونیکی می‌توان با ایجاد «مرکز تبادل داده» هم فضا را به سمت داده‌باز سوق داد و هم تبادل داده‌ها را از حالت سنتی به سمت الکترونیکی هدایت کرد.

ما در مجموعه‌های دولتی بیش از ۳ هزار مورد داریم. در بخشی از این مجوزها مواردی هست که شخص مراجعه‌کننده باید از ۲۰ نهاد تأیید صلاحیت بگیرد و همین روند هم اکثرا به صورت سنتی اتفاق می‌افتد.

با شکل‌گیری دولت الکترونیکی و ایجاد بستری یکپارچه، سازمان‌ها قادر خواهند بود به صورت سیستمی خودکار و از طریق API داده‌های مورد نیاز خود را تبادل و اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت کنند، یعنی کار اپراتوری به حداقل میزان خودش برسد. برای نمونه اگر API سوءپیشینه یا هر بحث دیگری به صورت متمرکز در مرکز تبادل داده‌ها ایجاد شود، بعد از آن هر سازمان به فراخور نیازش می‌تواند اطلاعات را به صورت سیستماتیک و برخط دریافت کند.

در این مورد خاص مثلا به جای آنکه من بروم پلیس و درخواست دهم و درخواستم برود و دوباره نامه شود که این کار ممکن است چندین روز طول بکشد، می‌توان کار را در کسری از ثانیه انجام داد که طبعاً در مجموع هزینه‌های کمتری را نیز به دنبال دارد.

●●● این کار چطور انجام می‌گیرد؟

در حالت ایده‌آل از طریق یک درگاه که همان مرکز تبادل داده است، باید اتفاق بیفتد، یعنی سرویس سوءپیشینه را در یک جا قرار می‌دهند و صلاحیت تمام سازمان‌هایی که متقاضی‌اند، از طریق کارگروهی تأیید می‌شود که به این سرویس دسترسی داشته باشد. متأسفانه درحال حاضر بخشی از تبدلات بین سازمان‌ها به این شکل نیست و عملا سازمان‌ها به صورت دوه‌دو با هم تبادل داده دارند. در این حالت ممکن است برای یک نوع داده چند وب‌سرویس اطلاعاتی به فراخور سازمان درخواست‌کننده وجود داشته باشد، درحالی‌که اگر اجزای داده به صورت استاندارد تعریف و اطلاع‌رسانی شود، می‌توان به جای چند وب‌سرویس از یک وب‌سرویس مشخص استفاده کرد. نخستین شروط تعامل‌پذیری هم تحقق همین موارد است.

با توجه به اهمیت ایجاد تعامل‌پذیری بین سیستم‌های اطلاعاتی در سازمان‌های دولتی و نقشی که این موضوع در کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از چندباره‌کاری‌ها دارد، کارگروهی تحت عنوان تعامل‌پذیری شکل گرفته است تا نقش نظارتی در تحقق این موضوع داشته باشد. در واقع کارگروه تعامل‌پذیری سعی دارد طی مدل بلوغی، تبادل داده‌ها را از حالت سنتی و دو به دو به خودکار و متمرکز هدایت کند.

●●● اینکه مرکز اطلاعاتی وجود داشته باشد تا همگان از آن استفاده کنند، منجر به انحصار اطلاعات نمی‌شود؟

به نظرم اگر سازوکارش درست تعریف شده باشد، در معرض چنین خطری نخواهیم بود. برای نمونه سایت weather سایتی هواشناسی است و شما از طریق این سایت می‌توانید اطلاعات آب‌وهوایی کره‌زمین را دریافت کنید. این سایت در انتشار داده‌های مربوط به هواشناسی انحصار ایجاد نکرده، بلکه از طریق وب‌سرویس‌هایی که در اختیار سایرین قرار داده، این امکان را ایجاد کرده است که هر مجموعه‌ای در صورت تمایل نرم‌افزار هواشناسی طراحی کند و از طریق API برنامه weather هواشناسی مربوط به یک نقطه را دریافت کند و به کاربر خود نمایش دهد. در دنیا تمام سیستم‌ها متوجه شدند شرط استفاده بینه از داده به اشتراک‌گذاری آنها بین یکدیگر است، یعنی از حالت جزیره اطلاعاتی به سمت یکپارچگی اطلاعاتی رفتن که البته سیستم‌های اطلاعاتی سازمان‌های مادر گام‌های ابتدایی آن هستند. □

هزینه‌ای روی دوش تک‌تک افراد جامعه می‌شود. نمونه بارز آن ائتلاف وقتی است که صرف‌ثبات اطلاعات فردی در فرم‌های کاغذی برای هر شخص می‌شود. از این قبیل بحث‌ها امروز در دنیا وجود ندارد و بلوغ لازم برای تبادل اطلاعات شکل گرفته است، چراکه براساس قانون کشورها، سازمان‌های مختلف باید داده‌هایی را که به صورت جزیره‌ای در اختیارشان قرار گرفته است، منتشر کنند و آنها را در اختیار بقیه سازمان‌ها و افراد جامعه قرار دهند. ●●● این شیوه نوین از تبادل اطلاعات چه پیامدهای مثبت و منفی و چه زیرساخت‌هایی نیاز دارد؟ این شیوه در نگاه نخست باعث هم‌افزایی و به صورت عملیاتی مانع از چندباره کاری می‌شود. برای مثال شما فرم اطلاعاتی دارید که هویت‌تان را مشخص می‌کند. فرمی که حاوی کدملی، میزان تحصیلات، سابقه کاری و دیگر اطلاعات شماسست. وقتی این جریان تبادل اطلاعات بین سازمان‌های مختلف وجود ندارد، یک شهروند مجبور است در هر سازمانی که مراجعه می‌کند، این اطلاعات را همراه خود منتقل کند. اتفاقی که برای هر یک از ما بارها و بارها رخ داده است. در حالی که اگر از نظر سازوکار، زیرساخت اطلاعاتی وجود داشته باشد، کمک می‌کند که این فضا تسهیل شود، یعنی وقتی کسی به سازمانی مراجعه می‌کند و اطلاعاتی از او در سازمان دیگری وجود دارد، آن سازمان اول اطلاعات را در اختیار سازمان دوم قرار می‌دهد، نه اینکه شخص دوباره مستندات را ببرد به سازمان بعدی و آن سازمان هم از آنها نسخه برداری کند و این روند هر بار طی شود. فرض بگیریم در فضای عملیاتی سازمانی هست که تمایل دارد اطلاعات خود را منتشر کند و در اختیار ارگان‌های دیگر قرار دهد. درست از همین جاست که «تبادل داده‌ها» و «تعامل‌پذیری» آنها مطرح می‌شود. ●●● آیا تعامل‌پذیری داده‌ها در کشور ما هم اتفاق می‌افتد؟ بدوی‌ترین لایه تبادل اطلاعات این است که کاغذی به شخص می‌دهند و روی فرم اطلاعات او مهر می‌زنند و به این معناست که اصالت اطلاعات روی کاغذ احراز شده است. این کاغذ را در اختیار مراجعه‌کننده قرار می‌دهند تا آن را پیش سازمان متقاضی اطلاعات ببرد. حال ممکن است خود سازمان متقاضی نیز به‌طور مجزا از سازمان‌دهنده اطلاعات استعلام دیگری هم بکند و نهایتاً اعتبارسنجی چیزی را که شخص در اختیارش گذاشته است، انجام دهد. این حالت می‌شود سنتی‌ترین روندی که اتفاق می‌افتد، اما در یک گام جلوتر روند این‌گونه است که اطلاعات مورد تقاضا از طریق فایل و به صورت ایمیل تبادل شود. در اینجا هم باز نسبتی از به‌کارگرفتن نیروی انسانی و خطا در تبادل داده وجود دارد.



لایه بالاتر که موازی همین حرکت است و نخستین گام در جهت تحقق «داده باز» تلقی می‌شود این است که سازمان مرجع اطلاعات را روی پرتابل می‌گذارد و متقاضیان می‌توانند اطلاعات را از روی آن بردارند و در مجموعه خود استفاده کنند. در سازمان‌های کشور ما سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات وجود دارند، اما تبادل داده‌ها در آنها کمترین نقش را دارد. برای مثال، فردی برای انجام کار اداری به سازمان «الف» مراجعه می‌کند. سازمان «الف» یک درخواست، کاغذی به او داده و به سازمان «ب» ارجاع می‌دهد تا براساس آن درخواست، پاسخی دریافت کند، درحالی‌که هر دو سازمان دارای سیستم‌های اطلاعاتی برای مدیریت داده‌ها



معمولا مدیران دولتی در اختیار داشتن اطلاعات را اسباب قدرت خودشان می‌دانند، یعنی به نوعی از داده‌های موجودشان برای چانه‌زنی و بده‌بستان اطلاعاتی در روابط قدرت استفاده می‌کنند و این مسأله مختص به سازمانی خاص هم نیست، بلکه تقریبا تمامی سازمان‌های دولتی نسبت به این مقوله چنین سیاستی دارند. البته محافظه‌کاری به علت وجود تبعات انتشار داده‌ها هم خود مزید بر علت است که باعث شده مدیران دولتی اساسا تمایلی برای رفتن به سمت «داده باز» نداشته باشند